

زمان برگزاری:

نام و نام خانوادگی:



تیام خزاعی

نام آزمون: تکلیف درس سوم فارسی دوازدهم

تاریخ آزمون:

آرایه‌های مقابله کدام بیت، تماماً درست است؟

- ۱ زلف کافر به رخش راهنمون شد ما را / از ره کفر به سر منزل ایمان شده‌ایم (پارادوکس - حس‌آمیزی)
- ۲ صد صوفی صافی به یکی جرعه کند مست / هر باده که در جام ز مینای تو باشد (اغراق - تشییه)
- ۳ جز حرف پوج قسمت زاحد ز عشق نیست / کف باشد از محیط نصیب کناره‌ها (اسلوب معادله - تضاد)
- ۴ در عین گوشه‌گیری بودم چو چشم مستت / و اکنون شدم به مستان چون ابروی تو مایل (ایهام مناسب - تشییه)

در کدام بیت همه آرایه‌های «تشییه، کنایه، استعاره، حسن تعلیل» وجود دارد؟

- ۱ هشیار گرد، هان که گذشت اختیار عمر
تاكی می‌صبوح و شکرخواب بامداد
- ۲ بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر
دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد
- ۳ بر نقطه دهان تو باشد مدار عمر
اندیشه از محیط فنا نیست هر که را
- ۴ زان رو عنان گسسته دواند سوار عمر
در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است

مفهوم کدام بیت با سایر ایيات متناسب نیست؟

- ۱ مور تواند که سلیمان شود
همت اگر سلسله جنبان شود
- ۲ تا جهان را همت دریا دلش شد میزبان
مور را ملک سلیمان در نمی‌آید به چشم
- ۳ هر که را در طلبت همت او قادر نیست
عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد
- ۴ ناتوان مورم و تا ملک سلیمان رفتم
همّتم هست رسا دستم اگر کوتاه است

نقش کلمات مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

- ۱ «با آن که جیب و جام من از مال و می‌تهی است
- ۲ ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت»
- ۳ مفعول، نهاد
- ۴ متمم، مسند

مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت «همّتم بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم» متناسب است؟

- ۱ من دور ماندم از در همت برای نان
آدم برای گندمی از روضه دور ماند
- ۲ خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد
- ۳ ناتوان مورم و تا ملک سلیمان رفتم
همّتم هست رسا دستم اگر کوتاه است
- ۴ که در تاریکی حیرت رَهْم دشوار افتاده است
مگر خضر رهی گردد دچار من در این وادی

مفهوم بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت» در همه بیت‌های زیر به جز وجود دارد.

- ۱ آن که بر او پای تواند نهاد
بند فلک را که تواند گشاد؟
- ۲ کار نظامی ز فلک برگذشت
چون ز کم و بیش فلک درگذشت
- ۳ در غم دنیا غم دنیا نخورد
هیچ هنریشة آزاد مرد
- ۴ کز آن می‌شود هر غم بیش کم
بیا ساقی آن صیقل زنگ غم



۷ در کدام بیت همه آرایه‌های «جناس ناقص، تضاد، تشییه، کنایه و مراعات نظیر» به کار رفته است؟

کز چاکران پیر مغان کمترین مَنَم
آخر به رغم دشمنم ای دوست دست گیر
زیرا که نیست جز سخن راست دلپذیر
جانی مصور است در آینه ضمیر

- ۱ چل سال بیش رفت که من لاف می‌زنم
- ۲ در زیر بار عشق تو از پا درآمد
- ۳ با من مگوی جز صفت سرو قامت
- ۴ دائم ز عکس عارض مه پیکرت مرا

۸ در کدام گزینه، آرایه‌های «کنایه، مراعات نظیر، تلمیح، واج آرایی و جناس ناقص» وجود دارد؟

هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت
آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

- ۱ در پیشگاه اهل خرد نیست محترم
- ۲ با آنکه جیب و جام من از مال و می تعی است
- ۳ در دفتر زمانه فند نامش از قلم
- ۴ هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت

۹ در همه گزینه‌ها به استثنای گزینه آرایه «تلمیح» به کار رفته است؟

قصه‌های عشق مجنون می‌کند
شور شیرین به سرِ هر که فتد کوهکن است
جان عزیز من مگر دیگر به کنعان می‌رسد
تو و تلاوت قرآن، من و دعای قدح (= پیاله شراب)

- ۱ نی حديث راه پر خون می‌کند
- ۲ بیستون کندن فرهاد نه کاریست شگفت
- ۳ آید سوی بیت الحَزَن از مصر بوی پیرهن
- ۴ نصیحت تو به جایی نمی‌رسد زاهد

۱۰ مفهوم همه ایيات به جز بیت گزینه یکسان است.

از خاک، فیض آب بقا می‌توان گرفت
خار صحراei قناعت گل بی خار من است
مور این وادی نمی‌آرد سلیمان را به چشم
هر که از عقبی قناعت کرد با دنیای خشک

- ۱ در کشوری که حکم قناعت بود روان
- ۲ از تهی دستی خود شکوه ندارم صائب
- ۳ سیرچشمان قناعت را غرور دیگر است
- ۴ می‌شود نقد حیاتش همچو قارون خرج خاک

۱۱ آرایه‌های «تشییه - اسکریپت - اسلوب معادله - ایهام - استعاره - اغراق» به ترتیب در کدام ایيات آمده است؟

چو یاد عارض آن ماه خرگمی آورد
عرق از بار گران قسمت حمال شود
همچو دیوانه که از پیش دستان گزدزد
عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی
گفت: سعدی، درنگیرد با مَنَت

- الف) چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرم ماه
- ب) بهره خواجه ز اسباب به جز محنت نیست
- ج) بر گفتاری دل خنده زنان می‌گذرم
- د) دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی
- ه) گفتم آتش در زنم آفاق را

۱۲ د - الف - ب - ج - ه

۱۲ ج - ب - الف - ه - د

۱۲ ج - ب - ه - الف - د

۱۲ در کدام گزینه کلمه مشخص شده نقش «مسند» ندارد؟

آن گنه را این عقوبت همچنان سیار نیست
آفرین گویی بر آن حضرت که ما را بار نیست
مکنیش عیب که بر نقد روان قادر نیست
وین عجب آن وقت می‌گریم که کس بیدار نیست

- ۱ بی دلان را عیب کردم لا جرم بیدل شدم
- ۲ ای نسیم صبح اگر باز اتفاقی افتادت
- ۳ عاشق مفلس اگر قلب دلش کرد نثار
- ۴ خلق را بیدار باید بود ز آب چشم من

۱۳ مفهوم «مقام وحدت» از کدام بیت برمی‌آید؟

که باز مینشناسم که این منم یا دوست
بیا بیا که غلام توأم بیا ای دوست
اگر مراد تو قتل است وارهان ای دوست
بگو بیار که گویم بگیر هان ای دوست

- ۱ بدان مقام رسید اتحاد من با دوست
- ۲ زحد گذشت جدایی میان ما ای دوست
- ۳ مرا رضای تو باید نه زندگانی خویش
- ۴ دلی شکسته و جانی نهاده بر کف دست



نوع «را» در پایان دو مصraig هر یک از گزینه‌ها به یک معنی است به جز در گزینهٔ ۱۴

- | | |
|--|-------------------------------------|
| تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را | دوست می‌دارم من این نالیدن دلسوز را |
| که تیر غمزه تمامست صید آهو را | کمان سخت که داد آن لطیف بازو را |
| ساقی بیار آن جام می‌مطرب بزن آن ساز را | وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را |
| نینی مرنجان دویندنه را | به بینندگان آفریننده را |

در بیت‌های زیر نقش کدام واژه به درستی تعیین نشده است؟ ۱۵

- | | |
|---|--|
| خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران گش آن خانه که بیت‌الحَزَن است (مسند) | هر گز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت (نهاد) |
| با آن که جیب و جام من از مال و می‌تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (مسند) | همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است (نهاد) |

در کدام بیت مفهوم «وطن‌پرستی» نهفته است؟ ۱۶

- | | |
|---|--------------------------------------|
| خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است | همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد |
| بنمایید که هر کس نکند مثل من است | فکری ای هم وطنان در ره آزادی خویش |
| بدار آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است | جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن |
| ز اشک ویران گش آن خانه که بیت‌الحَزَن است | خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد |

در عبارت زیر اجزای مشخص شده به ترتیب چه نقشی دارند؟ ۱۷

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------|
| این کار، شهید ساجدی را راضی نمی‌کرد. | ۱) ضمیر اشاره – شاخص – مفعول |
| ۲) صفت اشاره – شاخص – مسد | ۳) صفت اشاره – مفعول – مسد |

در کدام عبارت فعل به قرینهٔ لفظی حذف شده است؟ ۱۸

- | | |
|--|---|
| مرا آن ده که آن به. | ۱) تو بدان چه بر دیگر چهار پایان خود را راجح می‌شناسی در غرور عظیم افتاده‌ای. |
| خلقی هم بدین هوس که تو داری اسیرند و پای در زنجیر. | ۲) هر که بامش بیش برفش بیشتر. |

در کدام گزینه حذف فعل به «قرینهٔ معنوی» صورت گرفته است؟ ۱۹

- | | |
|---|--|
| اگر مشقت نبودی جمله مردم مهتر گشتندی. | ۱) گفت: بدانستم که هر کجا جله عظیم‌تر و آواز هایل‌تر، منفعت آن کمتر. |
| تخم بد در هر زمین که باشد کاشته، ثمرة نیک ندهد. | ۲) اگر بگریم حرارت شوق و آب دیده کم نمی‌شود و اگر ترک گریستن می‌کنم، سینه پر از آتش و سوزش با زبانه است. |

در مصraig «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم» چه آرایه‌ای به کار رفته است؟ ۲۰

- | | | | |
|----------|---------|-------------|----------|
| ۱) تشبیه | ۲) جناس | ۳) حس‌آمیزی | ۴) تشخیص |
|----------|---------|-------------|----------|